

# ناحوم

خواهد ساخت و تاریکی دشمنان او را تعاقب خواهد نمود.

۹ کدام تدبیر را به ضدّ خداوند توانید نمود؟  
او ناگهان هلاک خواهد کرد و مصیبت دفعه دیگر بر پا نخواهد شد.

۱۰ زیرا اگرچه مثل خارها به هم پیچیده و مانند می‌گساران مست بشوند، اما چون کاه خشک کاملاً سوخته خواهند شد.

۱۱ مُشیرِ بَلِیعال که به ضدّ خداوند بد می‌اندیشد، از تو بیرون آمده است.

۱۲ خداوند چنین می‌گوید: «اگرچه ایشان در قوت سالم و در شماره نیز بسیار باشند اما منقطع شده، در خواهند گذشت و اگر چه تو را دلیل ساختم، اما بار دیگر تو را دلیل نخواهم نمود.

۱۳ و الآن یوغ او را از گردن تو خواهم شکست و بندهای تو را خواهم گسیخت.»

۱۴ و خداوند درباره‌ی تو امر فرموده است که بار دیگر نسلی به نام تو نخواهد بود و از خانه خدایانت بتهای تراشیده و اصنام ریخته شده را منقطع خواهم نمود و قبر تو را خواهم ساخت زیرا خوار شده‌ای.

۱۵ اینک بر کوه‌های پای‌های مبشّر که صلح را ندا می‌کند! ای یهودا عیدهای خود را نگاه دار و نذرهای خود را وفا کن زیرا که مردِ بَلِیعال بار دیگر از تو نخواهد گذشت بلکه کاملاً منقطع

۱ وحی درباره‌ی نینوا. کتاب رؤیای ناحوم. اَلْقُوشی.

## غضب خدا بر نینوا

۲ یَهُوه خدای غیور و انتقام گیرنده است. خداوند انتقام گیرنده و صاحب غضب است. خداوند از دشمنان خویش انتقام می‌گیرد و برای دشمنان خود خشم را نگاه می‌دارد. ۳ خداوند دیر غضب و پر قوت است و گناه را هرگز بی‌سزا نمی‌گذارد. راه خداوند در تند باد و طوفان است و ابرها خاک پای او می‌باشد.

۴ دریا را سرزنش می‌کند و آن را می‌خشکاند و جمیع نهرها را خشک می‌سازد. باشان و کَرْمَل کاهیده می‌شوند و گل لبّان پژمرده می‌گردد.

۵ کوه‌ها از او متزلزل و تلّها گداخته می‌شوند و جهان از حضور وی متحرّک می‌گردد و ربع مسکون و جمیع ساکنانش.

۶ پیش خشم وی که تواند ایستاد؟ و در حِدّت غضب او که تواند برخاست؟ غضب او مثل آتش ریخته می‌شود و صخّره‌ها از او خرد می‌گردد.

۷ خداوند نیکو است و در روز تنگی ملجا می‌باشد و متوکّلان خود را می‌شناسد.

۸ و به سیل سرشار، مکان آن را بالکلّ خراب

خواهد شد.

زیرا که اندوخته‌های او را و کثرت هرگونه متاع  
نفسه‌اش را انتهایی نیست.

۱۰ او خالی و ویران و خراب است و دلش  
گداخته و زانوهایش لرزان و در همه کمرها درد  
شدید می‌باشد و رنگ روی همه پریده است.  
۱۱ بیشه شیران و مرتع شیران ژیان کجا  
است که در آن شیر نر و شیر ماده و شیر بچه  
می‌خرامیدند و ترساننده‌ای نبود؟

۱۲ شیر نر برای حاجت بچه‌های خود می‌درید  
و به جهت شیرهای ماده‌اش خفه می‌کرد و  
غارهای خود را از شکار و بیشه‌های خویش را  
از صید پر می‌ساخت.

۱۳ اما الآن یهوه صباپوت می‌گوید: «من به ضد  
تو هستم و ارابه‌هایش را به دود خواهم سوزانید و  
شمشیر، شیران ژیان تو را هلاک خواهد ساخت  
و شکار تو را از زمین منقطع خواهم نمود و آواز  
سفیرانت دیگر مسموع نخواهد شد.»

### وای بر نینوا

۳ وای بر شهر خونریز که تمامش از  
دروغ و قتل مملو است و غارت از آن  
دور نمی‌شود!

۲ آواز تازیانه‌ها و صدای غرغر چرخها و  
جهیدن اسبان و جستن ارابه‌ها.

۳ سواران هجوم می‌آورند و شمشیرها براق  
و نیزه‌ها درخشان می‌باشد و کثرت مجروحان  
و فراوانی مقتولان و لاشها را انتها نیست. بر  
لاشهای یکدیگر می‌افتند.

۴ از کثرت زنای زانیه خوش منظر که صاحب  
سحرها است و ائمت‌ها را به زناهای خود و

### سقوط نینوا

۲ خراب کننده در مقابل تو برمی‌آید.  
حصار را حفظ کن، راه را دیدبانی نما،  
کمر خود را قوی گردان و قوت خویش را بسیار  
زیاد کن.

۲ زیرا خداوند عظمت یعقوب را مثل عظمت  
اسرائیل باز می‌آورد و تاراج‌کنندگان ایشان را  
تاراج می‌کنند و شاخه‌های تاک‌های ایشان را  
تلف می‌نمایند.

۳ سپر جباران او سُرخ شده و مردان جنگی  
به فرمز ملبس و ارابه‌ها در روز تهیّه او از فولاد  
درخشان است و نیزه‌ها متحرک می‌باشد.

۴ ارابه‌ها را در کوچه‌ها به تندی می‌رانند، در  
چهارسوها به هم برمی‌خورند. نمایش آنها مثل  
مشعلها است و مانند برقها می‌دوند.

۵ او بزرگان خود را به یاد می‌آورد و ایشان در  
راه رفتن لغزش می‌خورند. دوان دوان به حصار  
می‌آیند و منجنیق را حاضر می‌سازند.

۶ دروازه‌های نهرها گشاده است و قصر  
گداخته می‌گردد.

۷ و حُصَب برهنه شده، (به اسیری) برده  
می‌شود و کنیزانش مثل ناله فاخته‌ها سینه زنان  
نالّه می‌کنند.

۸ و نینوا از روزی که به وجود آمد، مانند برکه  
آب می‌بود. اما اهلش فرار می‌کنند، (و اگر  
چه صدا می‌زنند) که «بایستید! بایستید!»، اما  
احدی ملتفت نمی‌شود.

۹ نقره را غارت کنید و طلا را به یغما برید

قبایل را به جادوگری‌های خویش می‌فروشد.  
 ۵ اینک یَهُوَه صباپوت می‌گوید: «من به ضدّ تو هستم و دامن‌هایت را بر روی تو منکشف ساخته، عورت تو را بر امت‌ها و رسوایی تو را بر مملکت‌ها ظاهر خواهم ساخت.  
 ۶ و نجاسات بر تو ریخته تو را ذلیل خواهم ساخت و تو را عبرت خواهم گردانید.  
 ۷ و واقع خواهد شد که هر که تو را ببند از تو فرار کرده، خواهد گفت: نینوا ویران شده است! کیست که برای وی ماتم گیرد و از کجا برای تو تعزیه کنندگان بطلبیم؟»  
 ۸ آیا تو از نُؤ آمون بهتر هستی که در میان نهرها ساکن بوده، آب‌ها او را احاطه می‌داشت که دریا حصار او و بحرها دیوار او می‌بود؟  
 ۹ حَبَش و مصر قوتش می‌بودند و آن انتها نداشت، فُوط و لوییم از معاونت کنندگان تو می‌بودند.  
 ۱۰ با وجود این تبعید شده و به اسیری رفته است و اطفالش نیز بر سر هر کوچه کوبیده شده‌اند و بر شرفایش قرعه انداخته‌اند و جمیع بزرگانش به زنجیرها بسته شده‌اند.  
 ۱۱ پس تو نیز مست شده، خویشتن را پنهان خواهی کرد و ملجایی به سبب دشمن خواهی جست.  
 ۱۲ جمیع قلعه‌هایت به درختان انجیر با نویرها مشابه خواهد بود که چون تکانیده شود

به دهان خورنده می‌افتد.  
 ۱۳ اینک اهل تو در اندرونت زنان می‌باشند. دروازه‌های زمینت برای دشمنانت بالکل گشاده شده، آتش پشت‌بندهایت را می‌سوزاند.  
 ۱۴ برای محاصره‌ات آب بیاور. قلعه‌های خود را مستحکم ساز. به گِل داخل شو و ملاط را پا بزنی و کوره‌آجر پزی را مرمت نما.  
 ۱۵ در آنجا آتش تو را خواهد سوزانید و شمشیر تو را منقطع ساخته، تو را مثل کرم خواهد خورد، خویشتن را مثل کرم کثیر کن و مثل ملخ بی‌شمار گردان.  
 ۱۶ تاجرانّت را از ستارگان آسمان زیادتر کردی. مثل کرمها تاراج می‌کنند و می‌پرند.  
 ۱۷ تاجداران تو مانند ملخ‌هایند و سرداران تو مانند انبوه ملخ هستند که در روز سرد بر دیوارها فرود می‌آیند، اما چون آفتاب گرم شود می‌پرند و جای ایشان معلوم نیست که کجاست.  
 ۱۸ ای پادشاه آشور شبانانت به خواب رفته و شرفایت خوابیده‌اند و قوم تو بر کوه‌ها پراکنده شده، کسی نیست که ایشان را جمع کند.  
 ۱۹ برای شکستگی تو التیامی نیست و جراحت تو علاج نمی‌پذیرد و هر که آوازه تو را می‌شنود بر تو دستک می‌زند، زیرا کیست که شرارت تو بر او دائماً وارد نمی‌آید؟